

از "لابی‌رنت" تا "هزار تو"، دو خوانش متفاوت از پیچیدگی در شهر

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۳/۲۱

سمیه فلاح^{*}

چکیده

شهرهای سرزمین‌های اسلامی از اوایل قرن بیستم تا به امروز از طرق مختلف و از زاویه‌های نگارشی متفاوت، در متون غربی توصیف و تبیین شده‌اند. یکی از شاخه‌های این توصیفات، مربوط به شکل و فرم شهری آنها بوده که توجه بسیاری از نویسندگان را به خود معطوف نموده است. در این میان هندسه راه‌ها برای بعضی تا حدی غریب بوده که برای شرح آنها اصطلاحاتی چون «لابی‌رنت» را به کار گرفته‌اند. لابی‌رنت در غرب تعبیری برای پیچیدگی است که تاریخچه بسیار طولانی‌ای در پس خود دارد. این مفهوم در دوره‌های مختلف تاریخی در اروپا ظهور پیدا کرد و امروزه نیز در مباحث روز مورد اشاره قرار می‌گیرد. آنجا که این اصطلاح در ارتباط با «شهرهای اسلامی» به کار گرفته می‌شود، اشاره به نوعی پیچیدگی فرمال دارد که حاصل شده از الگوی راه‌هاست.

از طرفی، به دلیل پیش زمینه‌های ذهنی که ریشه در ادبیات، هنر و فلسفه ایران دارد، تلقی‌ای متفاوت از پیچیدگی و کلمه معادل لابی‌رنت یعنی هزارتو وجود دارد. پیچیدگی‌ای که هزارتو القا می‌کند نه فرمال بلکه مفهومی است. به عبارت دیگر پیچیدگی تعریف شده در لابی‌رنت با پیچیدگی نهفته در هزارتو متمایز است، که این امر می‌تواند آشکارکننده دو نوع خوانش از پیچیدگی نیز باشد. بدین جهت، شکافته نشدن تاریخچه اصطلاحاتی مانند لابی‌رنت در مباحث حوزه «شهر اسلامی» از یکسو، و مراجعه به پیش زمینه‌های ذهنی‌ای که در این زمینه وجود دارد از سوی دیگر، می‌تواند به نوعی سوء خوانش یا سوء تعبیر منجر شود که نقد متون مربوطه را دچار مشکلاتی می‌کند.

در همین راستا مطالعه دقیق‌تر مفهوم لابی‌رنت می‌تواند راهگشا باشد. هدف این متن در واقع برجسته کردن الگوهای هندسی و تعبیر مرتبط با اصطلاح لابی‌رنت است. به این جهت سعی شده است این مفهوم در پنج دوره زمانی مختلف، که در آنها الگوی لابی‌رنت خصوصیت خاصی به خود گرفته، مورد مطالعه قرار گیرد. این پنج دوره زمانی شامل: پیش از تاریخ، دوره باستان، دوره مسیحیت، دوره پس از رنسانس، و دوره مدرن می‌باشد. اگرچه اولین لابی‌رنت‌ها در زمان پیش از تاریخ ظهور کردند و به صورت حکاکی و با هندسه‌ای خاص بودند، از آن زمان تا دوره رنسانس الگوی هندسی این مفهوم نسبتاً مشابه بوده و از اصل کلی تک مسیری بودن پیروی می‌کرده است. تا این زمان، در هر دوره معانی سمبولیک خاصی را به همراه داشته و در مواردی برای وصف بناها و فضاها و یا شهرها به کار می‌رفته است. در دوره رنسانس لابی‌رنت معانی سمبولیک خود را به کلی از دست داده و برای اولین بار به صورت الگوی چند مسیره مجسم شده است که هیچ بعد مفهومی‌ای در بر ندارد. در دوران مدرن نیز الگوی ریزوم جایگزین الگوهای پیشین می‌شود. این الگوها در سه الگوی کلی تک-مسیره، چند-مسیره، و ریزوم خلاصه می‌شوند که هر کدام در هر دوره زمانی به نوعی تعبیر می‌شده است. اشاره کوتاهی به آنچه کلمه "هزارتو" و کلمات مشابه بیان می‌کنند می‌تواند نشانگر تفاوت عمده این دو مفهوم هم عرض هم نهاده شده در مبحث «شهر اسلامی» باشد.

کلید واژه‌ها:

شهر اسلامی، لابی‌رنت، هزارتو، پیچیدگی در شهر

مقدمه

مفهوم «لابی‌رنت» یکی از مفاهیمی است که از دوره‌های اولیه مطالعه «شهر اسلامی» به عنوان یکی از صفات ویژه «شهرهای اسلامی» در متون غربی با آن همراه بوده است، و شهرهای ایرانی طبیعتاً از این قانون مستثنی نبوده‌اند. به عنوان مثال، پاول وارد انگلیش^۱ در کتاب خود با عنوان شهر و روستا در ایران^۲ (۱۹۶۶) می‌نویسد: «نشانه شهر اسلامی لابی‌رنتِ کوچه‌های پر پیچ و خم آن است» (English, 1966: 46) و یا در جایی دیگر بنه ولو می‌نویسد: «خیابان‌های شهر اسلامی بسیار باریک بوده و لابی‌رنتی از کوچه‌های پیچ در پیچ می‌سازند» (Benevolo, 1980: 261). اطلاق این مفهوم به شهرهای کشورهای اسلامی و ایرانی تا به امروز نیز ادامه داشته است. جهانگردان غربی‌ای که از این شهرها دیدن کرده‌اند نیز برای وصف هرچه مبسوط‌تر آنچه دیده‌اند این مفهوم را به کار گرفته‌اند که در این میان می‌توان به توصیف دُبدَه از اصفهان در سال ۱۸۴۵ به عنوان نمونه‌ای از آنها اشاره کرد.^۳

این نسبت دهی‌ها مورد نقد گروه دیگری از محققان «شهرهای اسلامی» قرار گرفته است و بحث صحت یا سقم آن امروزه نیز مورد بحث می‌باشد (Raymond, 2005 & Kheirabadi, 1991 & Dumper, 2006). آنچه محققان را بر آن می‌دارد که این مفهوم را از چهره «شهر اسلامی» دور کنند بار منفی‌ای است که این مفهوم (حداقل زمانی که در مورد شهرها مطرح می‌شود) با خود حمل می‌کند. تاریخچه بسیار طولانی‌ای که این مفهوم در پس خود دارد و تفاوت ساختاری-معنایی‌ای که پس از دوره رنسانس به خود پذیرفته، همه در شکل‌گیری تصور امروزی از این مفهوم موثر هستند. این تصور به طور کلی به نوعی از پیچیدگی اشاره دارد که در بحث شهر نه به یک پیچیدگی مفهومی، بلکه به پیچیدگی زایدی اشاره دارد که ناشی از شکل ویژه راه‌هاست.

از سوی دیگر مفهومی که مقابل این لفظ در زبان فارسی امروزه به کار گرفته می‌شود اصطلاح «هزارتو» است که معنای آن اشاره به دو کلمه «هزار» و «تو» دارد: آنچه هزاران «تو» در خود دارد. کلمات مشابه دیگری از جمله «تودرتو» نیز در ادبیات ما وجود دارد که در وصف ساختار اشعار حافظ، قرآن، منطق الطیر عطار نیشابوری و غیره نیز مطرح شده‌اند. این ساختارها برای ایرانیان متضمن پیچیدگی‌های معنایی و باارزشی هستند؛ که عمق مفهومی این آثار هنری را نشان می‌دهد. این نگرش و برابر هم قرار دادن این دو مفهوم در مباحث نظریه‌های «شهر اسلامی»، می‌تواند منجر به نوعی بدفهمی گردد، چراکه بدین وسیله لفظی که به جهت بار منفی آن بر ساختار شهر منتسب گردیده است، اساساً در پس‌زمینه ذهنی ما باری مثبت دارد.

هدف این متن تأکید هرچه بیشتر روی تفاوت مفهومی و ساختاری این دو مفهوم است که هم‌تراز قرار داده شده‌اند. تأکید بر این نکته که این برابر نهی می‌تواند منجر به پنهان ماندن خصلت‌هایی در شهرها، نقد نشدن آنها و تکرار مجموعه‌ای از نسبت‌دهی‌های مجادله برانگیز شود. برای رسیدن به این هدف، در ابتدا تاریخچه مفهوم لابی‌رنت، الگوها و استعاره‌هایی که این مفهوم به آنها اشاره دارد بررسی می‌شوند.

۱. روش تحقیق

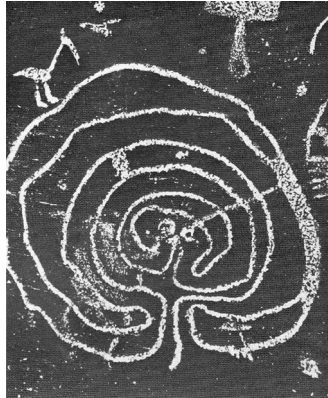
این متن سعی در مرور مطالعات انجام شده بر روی مفهوم لابی‌رنت دارد. هدف اصلی کنکاش این مفهوم، آشکار کردن نوع پیچیدگی‌ای که القا می‌کند، و تأکید بر نحوه بیان این پیچیدگی است. به نظر می‌رسد مروری بر پس‌زمینه تاریخی این مفهوم، بررسی هندسه‌ها یا الگوهایی که در طول تاریخ داشته، و نیز استعاره‌هایی که حامل آن است می‌تواند در این جهت راهگشا باشد. در راستای این هدف، این متن مفهوم «لابی‌رنت» را در پنج دوره زمانی متفاوت بررسی می‌کند که در هر کدام شامل معنا، الگو، و استعاره‌های مختلفی است. در هر دوره زمانی دو وجه «نمودها» و «تأویل‌ها» مورد مطالعه قرار می‌گیرد که حاکی از آن است که این مفهوم چه شکل‌های هندسی و الگوهای صوری‌ای داشته و چه تعبیر و معناهایی از آن مستفاد شده است. همچنین شیوه‌های نمود این مفهوم، در سه زمینه و گستره شکل‌های ترسیمی، حرکت‌های آیینی و مذهبی مانند رقص‌ها، و یا متون مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. پیشینه تحقیق

مفهوم و اصطلاح لابی‌رنت به تنهایی و یا در ارتباط با ادبیات مدرن در متون غربی به صورت بسیار مبسوط و دقیق بررسی شده است.^۴ از طرفی از آنجا که این اصطلاح در حوزه‌های مطالعاتی دیگری همچون مطالعات شهری و به طور ویژه «شهرهای اسلامی» نیز مطرح بوده است، از سوی برخی نویسندگان رد یا تأیید شده، اما کمتر به صورتی عمیق و جامع بدان پرداخته شده است.^۵ این انتقادات اغلب بدون اشاره به معنای واقعی‌ای که می‌تواند بر پیشینه تاریخی این مفهوم

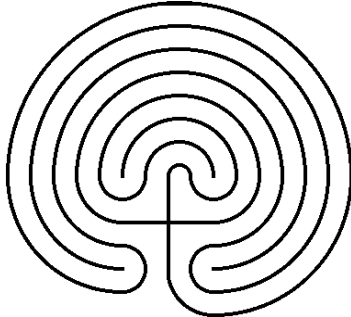
استوار باشد صورت گرفته و طبق تصور عمومی مفروض، مفهوم فوق با نوعی پیچیدگی، احساس گم شدگی و سردرگمی هم‌ارز قرار داده می‌شود. از آنجایی که بر نویسندگان امروز ایرانی حوزه «شهرهای اسلامی» است تا به مرور دقیق متون پیشین و زدایش کلیشه‌های شکل گرفته در طول سالیان در مورد این شهرها پرداخته و قدمی در راستای خوانش جدید پیش نهند. تبیین و تشریح چنین اصطلاحاتی و بار معنایی و الگوهای منتقل کننده آنها ضروری می‌نماید.

تصویر ۱: نمونه لابی‌رنت حکاکی شده بر روی سنگ متعلق به دره کامونیا



Bord, 1976: 28: مأخذ

تصویر ۲: الگوی تبیین این دوره، لابی‌رنت کرت یا کلاسیک



Kern, 2000: مأخذ

نمود در قالب حرکت‌های آیینی، رقص کرین: نویسندگان بر این باورند که از آغاز ظهور مفهوم لابی‌رنت، بین آن و رقص‌های آیینی ارتباطی وجود داشته است. اسطوره‌های باقی مانده از این دوران اشاره به رقصی به نام رقص لابی‌رنت تسه اوس^۷ و یا رقص کرین^۸ کرده‌اند. بنا به نظر کرن، این رقص به رقصی اشاره دارد که تسه اوس پس از پیروزی همراه با عده‌ای از جوانان به صورت زنجیره‌ای و بر طبق هندسه و مسیرهای مدور و نوسانی لابی‌رنت انجام داده است (Kern, 2000).

نمود در قالب متن، اسطوره لابی‌رنت: اسطوره لابی‌رنت کرت^۹ به احتمال زیاد تنها نمود این مفهوم در قالب کلمات در این دوره می‌باشد. در این اسطوره از ساختار لابی‌رنت به عنوان یک زندان برای میناتور^{۱۰} نیمه انسان - نیمه هیولا نام برده شده است. مینوس^{۱۱}، پادشاه کرت، به دانه دالوس^{۱۲}، اولین معمار اسطوره‌ای، دستور ساخت زندانی را برای فرزند هیولا شکل خود می‌دهد و دانه دالوس یک لابی‌رنت چنانچه زندانی غیر قابل فرار طراحی می‌کند (Doob, 1990). این اسطوره در کنار اشکال هندسی اشاره شده در سطور قبلی به عنوان مجردترین و اصیل‌ترین تعریف کننده‌ها و نمودهای این مفهوم ذکر شده‌اند (Kern, 2000 & Doob, 1990). این اسطوره تعدادی از نویسندگان را بر آن داشته که تصور کنند لابی‌رنتی به صورت فضای سه بعدی در آن عصر وجود داشته و سعی در یافتن این ساختار در محل‌های نزدیک به کاخ کنوسوس کرت کرده‌اند. به عنوان مثال، کاخ کنوسوس به دلیل پیچیدگی‌ها و فضاها و طبقات متعدد آن؛ غار گورتینا^{۱۳} به دلیل مسیرهای پیچ‌پیچ با هزاران پیچ و خم و غیر منظم آن به عنوان این لابی‌رنت اسطوره‌ای معرفی شده‌اند (Matthews, 1969). از طرفی پاتریک کنتی^{۱۴} این داستان را به عنوان مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط با لوگوس و جهان لوگوس تعبیر کرده است (Conty, 2002).

۳. لابی‌رنت پیش از تاریخ

۱-۳- نمودها

نمود در قالب شکل‌های ترسیمی: نویسندگان اعتقاد دارند نخستین لابی‌رنت‌ها در قالب اسطوره کرت^۶ و به صورت تعداد زیادی لابی‌رنت هندسی ترسیم شده بر روی سطوح مختلف، از جمله سنگ‌ها، سفال‌ها و سکه‌ها، در دوره پیش از تاریخ ظهور پیدا کرده‌اند که بیشتر آن‌ها متعلق به اروپای جنوبی هستند، منطقه‌ای که به عنوان مهد پیدایش لابی‌رنت نام گرفته است (Kern, 2000) (تصویر ۱). در تمام این منطقه در این دوره لابی‌رنت‌ها با یک شکل هندسی مشخص و ثابت نمود پیدا کرده‌اند: مجموعه‌ای از هفت مسیر متحدالمرکز که به نحوی به هم متصل شده و نقطه/هدف مرکزی را در بر گرفته‌اند که تحت عنوان نام لابی‌رنت کلاسیک یا کرت از آنها یاد می‌شود (تصویر ۲).

تصویر ۲ الگوی کلی این نوع لابی‌رنت را نشان می‌دهد که مشخصه اصلی آن چرخش هفت مدار به دور هم، بدون اینکه همدیگر را قطع کنند، است. «خط اصلی لابی‌رنت، پس از طی مسافت بسیار کوتاهی پس از نقطه بیرونی، تغییر زاویه پیدا کرده و مسیری را موازی با دیواره بیرونی طی می‌کند تا حدی که یک دور کامل شود. سپس بر روی خود تا شده و مسیر مشابهی را در جهت عکس پی می‌گیرد. این تا شدن‌ها تا جایی ادامه می‌یابد که در نقطه کور میانی پایان می‌گیرد: با پیمودن تمام فضای درونی دیوار، بدون اینکه مسیری دو بار طی شود، و بدون هیچ انشعاب یا حلقه‌ای در مسیر» (Matthews, 1969: 45). در واقع فرد برای رسیدن به نقطه میانی یا خروج از آن ناچار به طی کل این مسیر است که در طول آن بارها به هدف نزدیک شده و از آن فاصله می‌گیرد. به عبارتی یک حرکت نوسانی (دور و نزدیک شونده) را پی می‌گیرد.

۲-۳- تأویل‌ها

وجود حکاک‌ها با تصویر لابی‌رنت در نزدیکی قبور باعث شده که نویسندگان اذعان دارند که در این دوره ارتباطی بین مفهوم لابی‌رنت از طرفی و مرگ و زندگی مجدد از طرف دیگر وجود داشته است (Bord, 1976). کارل کرنی اذعان می‌دارد که لابی‌رنت در این دوران به مانند طرح عالم مردگان تصور می‌شد (Kerenev, 1950 & Bord, 1976). به این معنا که تنها ارواحی که پس از مرگ موفق به پشت سر گذاشتن مسیرهای لابی‌رنت شده‌اند می‌توانند به زندگی جدید پس از مرگ خود ادامه دهند (Bord, 1976).

۴. لابی‌رنت در دوره باستان

۴-۱- نموده‌ها

تصویر ۳: الگوی تیپیک دوره باستان، لابی‌رنت رومی



مأخذ: Pennick, 1990

نمود در قالب شکل‌های ترسیمی، موزاییک‌ها: در دوره باستان و در هنر رومی، لابی‌رنت بر روی موزاییک‌های سنگفرش‌ها به تصویر درآمد. این لابی‌رنت‌ها کوچک و تزئینی بوده و طی کردن مسیر آنها مد نظر نبوده است (Pennick, 1990).

لابی‌رنت رومی تک-مسیر و اصل ساختار آن مشابه لابی‌رنت کلاسیک است، مسیرها منظم بوده، و یک چهارم‌ها یکی پس از دیگری طی می‌شوند. بیشتر لابی‌رنت‌های رومی مربع شکل بوده و در نقطه میانی گاهی تصویر یک گل و گاهی تصویر میناتور حک می‌شده است. از چهار ورودی ممکن یکی از آنها باز است و بنا به نظر پنیک^{۱۵} این نوع لابی‌رنت اشاره به شهری بارودار و غیر قابل نفوذ دارد که به چهار بخش تقسیم شده است (تصویر ۳) (Pennick, 1990).

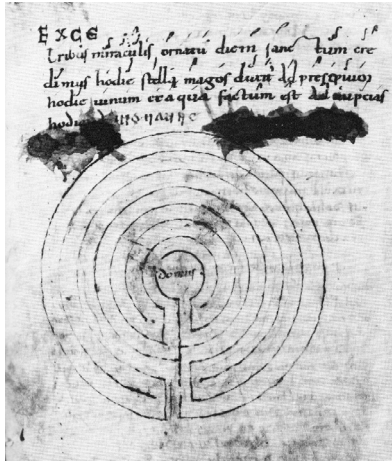
نمود در قالب حرکات آیینی تروی: نام تروا و شهر تروا از زمانی دور در ارتباط با لابی‌رنت مطرح بوده و آیین تروی^{۱۶} اشاره به حرکات پیچیده‌ای دارد که در نوشته‌های ویرژیل^{۱۷} با لابی‌رنت کورت مقایسه شده است. این آیین توسط عده‌ای اسب سوار در چند گروه و به شکل لابی‌رنت انجام می‌شد (Matthews, 1969). بنا به نظر کرن این آیین می‌تواند به سه معنا اشاره داشته باشد: حمایت از مردگان، حفظ زندگان در مقابل مرگ، و هدایت ارواح به طور سمبلیک. این معانی در ارتباط با خاصیت مسیر درون لابی‌رنت هستند: مسیری پر پیچ و خم که درون را از بیرون جدا می‌سازد. وی همچنین اذعان می‌دارد که آیین تروی ارتباطی با برپایی شهر هم دارد و یک اتفاق دینی برای مستحکم کردن دیوارهای شهر است. به این طریق، شهر به عنوان مکانی مقدس حفظ شده و امن باقی می‌ماند. الگوی این آیین طبق حرکاتی پیچیده است که به سمت راست و چپ می‌چرخند و پیچ و خمی مانند الگوی لابی‌رنت دارند (Kern, 2000).

نمود در قالب متن، توصیفات تاریخ نگاران: در این دوران برای نخستین بار نویسندگان اصطلاح لابی‌رنت را برای وصف بناهای تاریخی عصر خود به کار گرفتند. این اولین باری بود که این مفهوم به عنوان خصیصه یک فضای سه بعدی به کار رفت. یکی از این بناها مجموعه بنایی است که در مصر قرار داشته است. توصیفات که از این بنا شده می‌تواند بیانگر این باشد که چه خصوصیات فضایی‌ای منجر به این نسبت‌دهی‌ها شده‌اند (Doob, 1990). کرن با اشاره به توصیف هرودت از این بنا می‌نویسد که «لابی‌رنت مصر در واقع یک معبد با ساختار عظیم است که در جنوب اهرام نزدیک هاوانا^{۱۸} بر پا بوده است. این معبد شامل دوازده حیاط سر پوشیده با درهای روبرو، و شش حیاط در هر دو سمت شمالی و جنوبی است که همه در ارتباط با هم هستند. در کل نزدیک سه هزار اتاق در این مجموعه وجود داشته و سیستم مسیرها در میان حیاط‌ها و اتاق‌ها و کلونادها بسیار پیچیده و گیج‌کننده بوده است، تا جایی که بدون راهنما امکان دیدن فضاها و جهت یابی صحیح غیر ممکن بوده است» (Kern, 2000). پلینی الدر^{۱۹} در کتاب خود، تاریخ طبیعی^{۲۰}، به این بنا با ارتباطات درونی ماز^{۲۱} مانند و گیج‌کننده اشاره و اذعان کرده که دانه دالوس در واقع کانسبت زندان خود را از این بنا الهام گرفته است (Kern, 2000). بنا به نظر کرن، نویسندگان رومی و یونانی در این نسبت‌دهی، مفهوم لابی‌رنت را به صورت استعاره‌ای از پیچیدگی و عجیب‌بودگی به کار گرفته‌اند و این تنها ارتباط ممکن میان لابی‌رنت‌های ترسیمی و این بنا می‌تواند باشد (Kern, 2000). مسلماً الگوی این دو گروه با هم متفاوت است؛ در حالی که لابی‌رنت‌های ترسیمی الگویی تک مسیر دارند، این لابی‌رنت استعاری، اشاره به الگویی متفاوت و چند مسیره دارد.

۴-۲- تأویل‌ها

همانطور که اشاره شد لابی‌رنت‌های ترسیمی این دوره آذینی بوده و عملکرد حفاظتی-جادویی داشته‌اند. مثلاً در برخی موارد بر سر در خانه‌ها نصب می‌شدند تا خانه از شیاطین در امان بماند، چرا که به اعتقاد آنها ارواح شیطانی نمی‌توانند در راه پر پیچ و خم راه خود را بیابند. این اعتقاد در حفظ شهرها هم وجود داشته است. طبق این عقیده، موزایک‌هایی را با طرح شهرهای بارودار و لابی‌رنت گونه ترسیم کرده و بر روی درهای خانه نصب می‌نمودند. در واقع لابی‌رنت در تفکر رومی معنای "ورود ممنوع"^{۲۲} - البته برای ارواح شیطانی - را داشته است. نشانه دیگر این تفکر آیین ورود جوانان به جامعه^{۲۳} است. تنها کسانی که توانایی طی لابی‌رنت را داشتند از نظر جامعه به عنوان فرد بالغ پذیرفته می‌شدند (Kern, 2000).

تصویر ۴: نمونه‌ای از لابی‌رنت آتفرید در نسخ خطی



تصویر ۴: نمونه‌ای از لابی‌رنت آتفرید در نسخ خطی

۵. لابی‌رنت در دوره مسیحیت

پس از از فروپاشی امپراطوری روم، هرچند لابی‌رنت‌های سنگفرشی دیگر ساخته نمی‌شدند، اما لابی‌رنت‌های ترسیمی در نسخه‌های خطی به طور وسیع گسترش پیدا کردند. در قرون نهم و دهم پس از میلاد دو نوع جدید لابی‌رنت به وجود آمد: آتفرید^{۲۴} و چارتره^{۲۵} (Doob, 1990). لابی‌رنت نوع آتفرید در واقع تغییر یافته لابی‌رنت کلاسیک است و نامش از آتفرید فن ویسمبورگ^{۲۶} (۸۷۵-۷۹۰)، روحانی‌ای از آلساک فرانسه، گرفته شده است. این فرم، فقط در نسخه‌های خطی ظهور پیدا کرد (تصویر ۴). نوع چارتره لابی‌رنت تیپیک این دوره است که به صورت سنگفرش وجود داشته است (Kern, 2000).

۵-۱- نموده‌ها

نمود در قالب شکل‌های ترسیمی

نسخه‌های خطی: لابی‌رنت‌های ترسیم شده در نسخه‌های خطی، گاهی در ارتباط با اشکال دیگر و گاهی به تنهایی ترسیم می‌شدند. در این میان سعی بر آن بود تا شکل لابی‌رنت هرچه بیشتر از هندسه عام آن در دوره کلاسیک دور شده و به مفاهیم مسیحیت نزدیک گردد. این امر اولین بار در قرن دهم پس از میلاد و با ظهور لابی‌رنت چارتره اتفاق افتاد. لابی‌رنت‌های ترسیمی گاهی با متون مذهبی همراه می‌شده‌اند؛ بخصوص متونی که در آنها زمان دقیق عید پاک محاسبه می‌شد. «لابی‌رنت‌های بیانگر اینگونه محاسبات، بر آن بودند تا شادی رستاخیز مسیح از لابی‌رنت دنیای مردگانی که مسیح به آن نزول کرده بود را یادآوری کنند» (Kern, 2000: 110). متون غیر دینی در بر گیرنده لابی‌رنت، بیشتر به متون تاریخی و منطقه‌ای مانند دایره المعارف‌ها، تاریخچه‌ها، و گیتی‌نگاری‌ها منحصر بودند (Kern, 2000).

لابی‌رنت‌های کلیسایی: لابی‌رنت‌های موزاییکی رومی تا دوره مسیحیت ادامه یافته و تبدیل به لابی‌رنت‌های بزرگ حک شده بر کف کلیساها شد. این نوع لابی‌رنت، ابتدا به صورت حکاکی‌هایی بر روی دیوارها و سپس به شکل سنگفرش‌ها ظاهر شد. افراد مومن، لابی‌رنت‌های ترسیم شده بر کف کلیساها را، به عنوان نمادی از زیارت بیت المقدس، با پا یا زانو طی می‌کردند (Pennick, 1990) (تصویر ۵). در شمال فرانسه گاهی لابی‌رنت‌ها بر راهروی کلیسا طوری گسترده می‌شد که کل عرض سالن را اشغال می‌کردند، تا به عنوان یک مانع یا عنصر میانی عمل کند. به این صورت که فرد باید ابتدا مسیر لابی‌رنت را طی کند و پس از این قابلیت آن را بیابد که وارد جایگاه مقدس شود (Kern, 2000). لابی‌رنت‌های کلیسایی در طول قرن سیزدهم بعد از میلاد به طور وسیع در فرانسه و ایتالیا گسترده شد و در انگلیس به صورت مازهای کلوخی^{۲۷} تغییر ماهیت داد (Matthews, 1969).

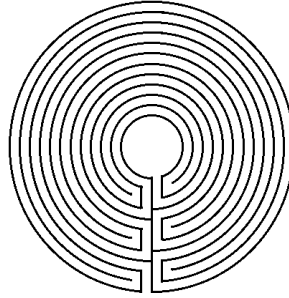
لابی‌رنت نوع آتفرید یازده مدار دارد و سه مدار بیرونی که بر لابی‌رنت کلاسیک اضافه شده است. در واقع ادامه ساده مدارهای درونی است (تصویر ۶). لابی‌رنت چارتره دو محور عمود بر هم دارد و شامل همان یازده مدار آتفرید است که شکل صلیب بر روی آن قرار گرفته و با این هندسه جدید، بیشتر مطابق ایدئولوژی مسیحیت گشته است (Kern, 2000) (تصویر ۷). این دو نوع لابی‌رنت، هر دو تک-مسیره بوده و اگر خطوط لابی‌رنت چارتره باز و پهن شوند، مشخص می‌شود که یک تقارن ترتیبی در آنها وجود دارد. در کل شامل ۳۵ مسیر و ۲۸ نقطه چرخش مسیر می‌باشد. فرد با طی راه تا نقطه میانی و سپس بازگشت از آن هفتاد حرکت انجام می‌دهد که بنا به نظر پنیک تناسباتی با تعریف زندگی انسان در کتاب مقدس دارد (Pennick, 1990: 114-115).

تصویر ۷: الگوی تیپیک لابی‌رنت چارتره



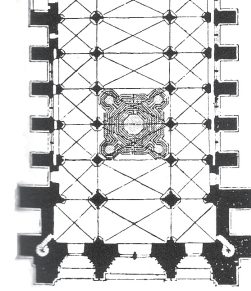
مأخذ: Kern, 2000

تصویر ۶: الگوی تیپیک لابی‌رنت آتفرید



مأخذ: Kern, 2000

تصویر ۵: نمونه لابی‌رنت کلیسایی



مأخذ: Kern, 2000

نمود در قالب متن

در این دوره لابی‌رنت به دو طریق در متون ظهور کرد، به صورت اشاره به سمبل‌ها و استعاره‌ها، و یا زمانی که ساختار خود متن چنان لابی‌رنت خوانده می‌شد. خصوصیت مشترک این دو در این است که در هر دو، مفهوم لابی‌رنت نه به شکل اصیل آن، بلکه به یک سری تعبیر اشاره دارد. در این متون مقایسه‌هایی بین لابی‌رنت و مفاهیم اساسی مسیحیت انجام شده است. به عنوان مثال کیهان به عنوان هنری خدایی، مانند لابی‌رنتی تصور شده است که الگوی کاملی دارد و نقطه میانی غیر قابل دسترس آن ابهام خداست. در واقع ابهام خداوند به عنوان هدف اصلی جهان معرفی شده که انسان در تلاش است آن را مانند یک لابی‌رنت (کیهان) کشف کند که به احتمال زیاد ناموفق خواهد بود (Kern, 2000). تصور بر این است که یک نظام تمام عیار در لابی‌رنت آفرینش وجود دارد که به دلیل ضعف انسانی در ماز دنیوی طبیعت حبس شده و انسان از کشف آن عاجز است. آنچه برای بشریت باقی می‌ماند، ابهام، تاریکی، و پریشانی است. لابی‌رنت در این متون به عنوان یک محصول نمونه که حقیقت را پوشانده به کار گرفته شده است (Doob, 1990). از طرفی، بنا به نظر کرن، تصور منفی از مفهوم لابی‌رنت، به عنوان محلی پر گناه و گمراه کننده که فرد را از راه اصلی رستگاری جدا می‌کند، در بسیاری از متون این دوره آشکار است و این نشانه‌ای است از این واقعیت که الگوی ساده لابی‌رنت تحت تأثیر الگوی پیچیده ماز ادبی قرار گرفته است (Kern, 2000). بنابراین، توصیفاتی که از لابی‌رنت و لابی‌رنت بودگی در این متون شده این موضوع را تأیید می‌کند، که الگوی تصور شده برای لابی‌رنت در متون نه یک الگوی تک-مسیره بلکه یک الگوی چند-مسیره است که فرد تنها با کمک مسیح قادر خواهد بود راه اصلی و صحیح را بیابد.

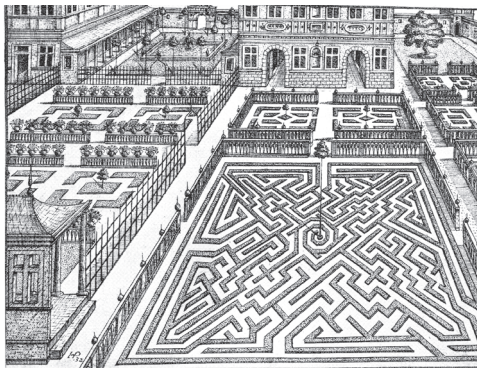
۲-۵- تأویل‌ها

طی لابی‌رنت به عنوان زیارت: همان طور که اشاره شد، لابی‌رنت‌های کلیسایی، به عنوان سمبل‌های سرگشتگی و پیچیدگی‌های راه مسیحیت تعبیر شده‌اند. به علاوه، نویسندگان بر این اعتقادند که لابی‌رنت تک-مسیره با پیچ و خم‌های خاصی که دارد، به این صورت که ابتدا فرد را به هدف نزدیک کرده و سپس او را قبل از رسیدن به نقطه اصلی از آن دور می‌کند، همواره به عنوان نوعی زیارت نمادین انگاشته می‌شد. به این دلیل، لابی‌رنت‌های کلیسایی بزرگی برای برپایی سفرهای زیارتی به طور نمادین به کار گرفته می‌شدند. زمانی که لابی‌رنت به قدری بزرگ نبوده که با پا طی شود افراد آن را با انگشت دست خود دنبال می‌کردند (Pennick, 1990). از دیگر سو، لابی‌رنت به عنوان جهان خلقت و به عنوان جهان گناه نیز تعبیر می‌شد (Pennick, 1990).

۶. لابی‌رنت پس از رنسانس (قرن ۱۵ تا ۲۰)

تغییر تدریجی مفهوم و جایگاه لابی‌رنت در این دوره، منجر به این واقعیت شد که تعریفی جدیدی از لابی‌رنت ظهور کند، که با تعبیری که تا این زمان وجود داشت تفاوت آشکاری داشت. در این دوره، لابی‌رنت از بناها خارج شده و به عنوان عنصری در باغ‌ها به کار گرفته شد و برای اولین بار الگوی چند-مسیره نمود ترسیمی پیدا کرد^{۲۸}. اصطلاح ماز که در دوره مسیحیت گاهی به عنوان مفهوم هم عرض لابی‌رنت به کار گرفته می‌شد در این دوره به صورت وسیع برای اشاره به الگوهای چند-مسیره و پیچیده به کار گرفته شد (تصویر ۸).

تصویر ۸: الگوی جدید لابی‌رنت، ماز



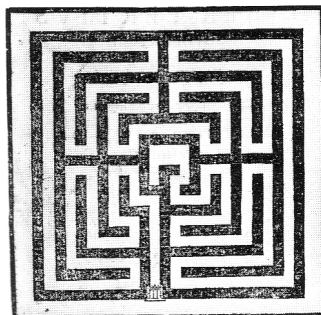
مأخذ: Kern, 2000

۱-۶- نمودها، باغ‌ها

لابی‌رنت نقش عمده‌ای در طراحی فضای سبز در دوران رنسانس و باروک داشت. بین قرون ۱۶ و ۱۸ صدها لابی‌رنت و ماز پرچین-باغی در اروپا ساخته شد. علی‌رغم این ترویج، انتظار سازندگان و استفاده‌کنندگان این لابی‌رنت‌ها، چیزی فراتر از سرگرمی با شکل‌های تزئینی، خطر و احساس گم‌شدگی، و کشف گشودگی‌ها و گوشه‌های لابی‌رنت به قصد تفریح نبوده است. در این میان تعابیر ایدئولوژیک و معانی پیشین لابی‌رنت هرچه بیشتر رنگ باخته و در نهایت اصلاً قابل تشخیص نبود (Kern, 2000).

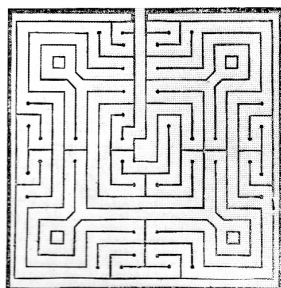
در طول قرن ۱۶ لابی‌رنت‌های گلی^{۲۹} بسیار رایج شدند. طراحان شروع به انتشار طرح‌های متعدد خود از این گونه لابی‌رنت‌ها کردند. کتاب‌های مختلفی از کشورهایی چون ایتالیا، انگلیس، و فرانسه شروع به انتشار الگوهای متنوعی از مازهای باغی، لابی‌رنت‌های گیاهی^{۳۰}، لابی‌رنت‌های باغی و غیره کردند. به نظر می‌رسد که تنها مازی که از نظر طراحان در این دوره مورد توجه بود، ماز نوع پازل^{۳۱} بود (Pennick, 1990). در بسیاری از کشورهای اروپایی این سبک در طول قرن ۱۷ نیز مرسوم بود. به این معنا که تقریباً در تمام کتاب‌های باغ‌سازی و طراحی باغ، نمونه‌های متعددی از لابی‌رنت‌ها یا مازهای باغی دیده می‌شد.

تصویر ۹: نمونه لابی‌رنت در دوره بعد از رنسانس با الگوی تک مسیره



مأخذ: Kern, 2000

تصویر ۱۰: نمونه لابی‌رنت در دوره بعد از رنسانس با الگوی چند مسیره



مأخذ: Kern, 2000

در اواخر قرن ۱۷ لابی‌رنت «فضایی که به پیچ و خم‌های بسیاری تقسیم شده» تعریف می‌شد و «با ارزش‌ترین لابی‌رنت‌ها آنهایی بودند که بیشتر می‌پیچیدند» (Pennick, 1990: 145). در قرون ۱۸ و ۱۹ با وجود رایج شدن سبک‌های باغ‌سازی چینی، مازها و لابی‌رنت‌های باغی همچنان مورد استفاده در طراحی‌ها قرار می‌گرفتند (Pennick, 1990). الگوها: همان‌طور که ذکر شد لابی‌رنت در این دوره تنها به صورت عینی (و نه معنایی) و در ارتباط با باغ‌سازی ظهور پیدا کرد. این تجسم‌های عینی بر خلاف گذشته هر دو الگوی تک-مسیره و چند-مسیره را به خود گرفت (تصاویر ۹ و ۱۰). هر چند در ابتدا فرم‌ها مشابه نوع کلاسیک بودند. اما، سپس تنوع آنها طبق الگوی چند-مسیره بسیار بیشتر شد. بسیاری از نویسندگان این فرایند را سکولاریزه کردن مفهوم لابی‌رنت می‌خوانند (Kern, 2000). آنچه در این میان نو و جدید بود، امکان انتخاب بر سر دوراهی‌ها و وجود بن‌بست‌های کور بود، که حس‌هایی همچون شک و تردید و تسلط نداشتن به کل انگاره را در تمام طول مسیر برای فرد همراه می‌ساخت. در این الگو، بر خلاف الگوی قبلی که نقطه‌میان‌ی مهم‌ترین بود، توجه بیشتر معطوف به طی مسیرهای پرپیچ و خم برای رسیدن به انتها و فکر کردن در مورد درستی و غلطی راه و به عبارتی به خود مسیر و درگیری با مسیر می‌شد.

۲-۶- تأویل‌ها

یکی از بزرگ‌ترین تغییرات حاصل شده در مفهوم لابی‌رنت علاوه بر ظهور طرح‌های چند-مسیره به صورت نمود عینی، حذف هرگونه تأویل و معنا از آن بود. در این سال‌ها لابی‌رنت تمام معنای ماورایی و روحانی خود را از دست داده و تبدیل به فرمی برای تفریح و سرگرمی در باغات شد. لابی‌رنت دیگر نشانه و سمبل اتصال دهنده دو جهان بسیار متفاوت نبود، بلکه فقط یک مسیر پیچ در پیچ در طبیعت بود که طی آن به دلیل حس گم‌شدن و پیدا شدن توأمان فرح بخش می‌نمود (Kern, 2000).

۷. لابی‌رنت در دنیای مدرن

در سال‌های اخیر در به کارگیری مفهوم لابی‌رنت دو دیدگاه کاملاً متفاوت مدنظر است. در یک دیدگاه، لابی‌رنت تنها از زاویه شکل آن یعنی به عنوان یک شکل مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالی که از دیدگاهی دیگر چونان یک استعاره صرف انگاشته می‌شود. طبق دیدگاه اول، شکل لابی‌رنت به عنوان یک شکل هندسی خاص برای اهداف مختلفی از جمله تقویت اعتماد به نفس، مدیتیشن و تمدد اعصاب، به علاوه برای مراسمی همچون فراغت از چیزی، ورود به سنی

خاص یا ادای قسم به کار گرفته می‌شود (Lonegren, 1991). طبق دیدگاه دوم ویژگی‌های خاص لابی‌رنت آن را تبدیل به استعاره‌ای برای تبیین بعضی موارد کرده است.

۷-۱- دیدگاه اول، لابی‌رنت به عنوان یک شکل صرف

الگو: همانطور که گفته شد، در این عصر به کارگیری لابی‌رنت هدف‌های متفاوتی به خود گرفت و لابی‌رنت‌های جدید با طرح‌ها و رنگ‌ها و روش‌های ساخت مختلف که شامل الگوهای تک-مسیره و چند-مسیره می‌شود ظهور کردند (Radford, 2004).

۷-۲- دیدگاه دوم، لابی‌رنت به عنوان یک استعاره صرف

لابی‌رنت در برخی موارد جهت توصیف و تحلیل ماهیت آثار هنری به کار گرفته شده است. سری اسکیس‌های زندان‌ها^{۳۲} اثر جیووانی باتیستا پیرانسی، که فضاهای بصری‌اش نام لابی‌رنت را توسط نویسندگان بسیاری به خود گرفته است، جزو معروف‌ترین این آثار است (تصویر ۱۱) (Tafari, 1990 & Agrest, 1992). این سری آثار که مشتمل بر ۱۶ عدد کار قلمزنی بر روی صفحات مسی است و به دهه ۱۷۶۰ تعلق دارد، از نظر محتوا و مضمون و همچنین از نظر نمایش فضا بسیار مبهم است: احجام بزرگ معماری، فضاهای در سایه قرار گرفته شده، و پله‌هایی که به هیچ جا منتهی نمی‌شوند و چهره‌های نامعلوم انسانی که به ندرت قابل تشخیص هستند. زاویه‌های تند و تیز با سطوح صاف و خطوط متراکم متعادل شده‌اند تا ترکیبات در هم فرورفته و رمزآلودی را بیافرینند (Stoppani, 2006). آیزنشتاین^{۳۳}، فضاهای ترسیمی عینی خلق شده توسط پیرانسی را اینگونه توصیف می‌نماید: «طبیعت تخیلات معمارانه که در آن یک سیستم بصری تبدیل به سیستم دیگری می‌شود؛ در حالی که سطوحی پشت هم قرار گرفته به بی‌نهایت گشوده شده و چشم را به عمقی ناشناس هدایت کرده و پله‌ها از طرفی تا فلک ادامه می‌یابند، در همان حال همین شکل آبشارمانند برآمدگی‌های پله، به سمت پایین تأکید می‌کند» (Eisenstein, 1990). این آثار پیچیدگی فضایی و زمانی تناوب‌ها و بر هم نهی‌های دشوار را به چالش می‌کشد (Stoppani, 2006).

تصویر ۱۱: زندان‌ها اثر جیووانی باتیستا پیرانسی



همچنین در ادبیات، رمان نویس معروف، خورخه لوئیس بورخس نیز وارد بحث مفهوم لابی‌رنت شده و آن را به طور وسیع در داستان‌های کوتاهش به کار گرفته است. به کار بردن این مفهوم توسط او در ادبیات مدرن موجب الهام بسیاری از نویسندگان دیگر شده است. متون هایپرفیکشن به لابی‌رنت بودگی مشابهی اشاره دارند. به علاوه تعدادی از نظریه پردازان آوانگارد معماری نیز، مفهوم لابی‌رنت را برای شرح نظریه‌هایشان به کار گرفته‌اند که از این میان می‌توان به ژیل دلوز و برنارد چومی اشاره کرد (Deleuze, 1993 & Tchumi, 1996 & McCaffery, 2003: 42).

الگو: یکی از خصلت‌هایی که به مفهوم لابی‌رنت در این دیدگاه نسبت داده می‌شود «بی‌نهایت» است. پیشتر، لابی‌رنت همیشه به عنوان یک مسیر بین دو نقطه متمایز، که گاه در دو بعد فیزیکی و معنوی و گاه فقط در بعد فیزیکی جایگاه متفاوتی داشتند، تعریف می‌شد.

در لابی‌رنت گونه‌ی استعاری، برعکس گذشته، هیچ نقطه‌ی ابتدا یا انتهای وجود ندارد. آنچه مهم است تنها خود مسییر است و تمام نقاط قرار گرفته در زمینه دارای ارزش و بعد مشابهی هستند. این نوع لابی‌رنت به ریزوم تشبیه شده است؛ «آنگونه سازمانی که در آن هر مسیر می‌تواند به هر کدام دیگر از مسیرها متصل شود. ریزوم هیچ مرکز، هیچ محدود و هیچ خروجی ندارد چون ذاتاً بی‌نهایت است. فضای گمان فضای ریزومی است» (Eco, 1983). کنتی اضافه می‌کند که لابی‌رنت مدرن «یک ناحیه‌ای از ذهن است که دو جهان قابل دید و غیر قابل دید توسط یک جدایی پرنشاندنی از هم گسسته شده‌اند. این پیوستگی شکسته شده ما را به یک تبعید نهایی محکوم کرده است. تعابیری که از لابی‌رنت ارائه شده چونان تاب‌های یک پاندول‌اند» (Conty, 2002: 10).

۸. «هزارتو»

آنچه که از اصطلاح هزارتو، کلمه فارسی معادل لابی‌رنت بر می‌آید، اشاره به ساختاری است که در برگزیده هزاران "تو" یا "درون" است و "تو"های بسیاری را در خود می‌گنجاند. بدین سان، هزارتو ساختاری معنایی-فضایی به خود گرفته و از یک شکل، هندسه، و یا سمبل صرف خارج می‌شود. از سوی دیگر، ساختار هزارتو یا تودرتو در ذهن

ایرانی می‌تواند القا کننده نوشته‌های صوفیان، اشعار حافظ، و داستان‌های هزار و یک شب باشد، که جملگی متضمن پیچیدگی‌های عمیق معنایی هستند، هر چند در هر کدام «تو»ها متفاوت بوده و به صورت لایه‌های معنایی و یا فضا‌های داستانی فرض می‌شوند.

خصوصیت شهرها و تودرتویی فضا‌های شهری و معماری آن، یا لایه‌لایه‌گی تزیینات آن می‌تواند نزدیکی‌های مفهومی را با کلمه هزار تو القا کند، چراکه بیشتر فضاها با طی شدن و در هم باز شدن تجربه می‌شوند، اما باید دقت کرد که این تودرتویی فضاها، توسط نویسندگان غربی به عنوان هندسه‌های نامنظم، ارگانیک، بی‌قانون، و ... تعبیر شده‌اند. به عبارتی دیگر، به دلیل پیش‌زمینه‌ها و الگوهای ذهنی آن‌ها از یک شهر، که نماد آن می‌تواند یک شهر یونانی یا رومی باشد، و یا ساختار ذهنی و زیست-جهان متفاوت آن‌ها، این تودرتویی و احساس پیچیدگی که برای ذهن ایرانی مثبت می‌نماید، برای محققان و یا جهانگردان غربی «شهر اسلامی» همچون لابی‌رنت - که مفهومی برگرفته از زیست-جهان آنهاست - ادراک شده است. از سوی دیگر، لابی‌رنت نه برای بیان این پیچیدگی، بلکه برای نشان دادن ناخوانا بودن نقشه‌های شهری و آشفتگی هندسه و احساس گم‌شدگی در شهر بوده، که هر دو برداشت فاصله زیادی با خاصیت تودرتویی‌ای که ما برای شهر در نظر می‌گیریم دارد.


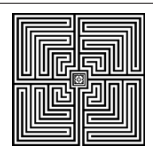
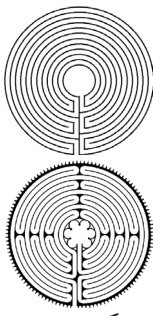
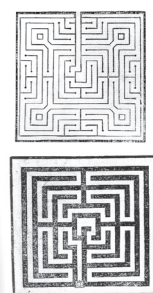
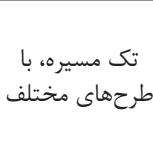

به نظر می‌رسد این تفاوت خوانش باعث پنهان ماندن و آشکار نشدن خاصیت تودرتویی در «شهرهای اسلامی» گشته است.^{۳۴}

۹. جمع بندی

با توجه به آنچه اشاره شد می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم «لابی‌رنت» اشاره به یک عینیت یا مفهوم خاص با تاریخچه‌ای ویژه خود دارد و خاصیت‌هایی که منتقل می‌کند نیز برآمده از آن مفهوم یا عین است (جدول ۱ و ۲). شکل و خاصیت فرمال آن مهم‌ترین عوامل معرفی کننده آن هستند و نسبت دهی‌هایی که با توجه به آن به «شهر اسلامی» انجام شده نیز، با نگاهی فرمال و صرفاً با تکیه بر شکل و هندسه راه‌ها و بدون توجه به عناصر، سمبل‌ها و نشانه‌های موجود در شهر انجام گرفته است. آنچه از متن این نسبت‌دهی‌ها بر می‌آید این است که، بیشتر الگوی لابی‌رنت دوران رنسانس مدنظر بوده، به عبارتی الگویی که شامل مسیرهای مختلف، بن‌بست‌ها و نقاط کور متعدد است. اما «هزار تو» یک خاصیت است، خاصیتی که بیشتر تأکید بر پیچیدگی‌های مفهومی-معنایی دارد و بار معنایی‌ای که منتقل می‌کند اشاره کننده به پیچیدگی‌هایی عمیق است. از آن نوع پیچیدگی‌ای که در ادبیات ایران می‌توان دید و سراغ گرفت.

بنابراین باید توجه داشت، آنجا که مفهومی متعلق به زیست-جهانی متفاوت (در اینجا زیست-جهانی غربی) در توصیف شکلی یا مفهومی زیست-جهانی دیگر (زیست-جهان ایرانی، اسلامی) به کار گرفته می‌شود، از سوی آنها به برداشتی نادرست از متن مورد مطالعه، و از سوی ما به نوعی بدخوانی و کج فهمی می‌انجامد. در اینجا است که تعبیری نادقیق، دقیق و کامل انگاشته می‌شود، و یا توصیفی منفی، مثبت ارزیابی می‌گردد، و این توالی بدفهمی‌ها چه بسا با برابر نهادی نادرست - در اینجا واژه هزار تو - تکثیر می‌شود. به تعبیر دیگر، بار منفی لابی‌رنت، در معنای شکلی آن که متضمن امری ماز مانند، درهم، تاریک، و بی‌نظام است، و از سوی محققان غربی مورد استفاده قرار گرفته است، از سوی ما متضمن تصویرهایی انگاشته می‌شود که از منظور ابتدایی فاصله بسیار دارد. در نهایت بر محقق ایرانی است تا با خوانشی دقیق و محتاطانه غبار از چهره این «تصورات» بگیرد و بدفهمی‌ها و سرچشمه‌های آن را شرح دهد.

جدول ۱: لابی‌رنت، الگوها و استعاره‌ها در طول تاریخ

تأویل‌ها		نمودها				پیش از تاریخ
کاربردها	سمبل‌ها	استعاره‌ها	متن	آیینی	عینی	
					الگو	حوزه
آماده سازی برای ورود به حوزه دیگر	دنیای ارواح، مرگ، زندگی، زمین، دوباره زنده شدن، ...	-	اسطوره لابی‌رنت	رقص لابی‌رنت		حکاکای سکه
			چند مسیره	تک مسیره، چند مسیره		
حفاظت خانه و شهر	روند دشوار، ضد ارواح خبیث		توصیفات تاریخ دانان و جغرافی دانان	بازی و آیین تروی		موزاییک
			چند مسیره	تک مسیره، چند مسیره		
توبه، زیارت سمبلیک، ورود به محراب	با الگوی تک مسیر: خداوند، مسیح با الگوی چند مسیر: دنیا، خلقت	به عنوان هر عینیتی که پیچیده، غیر قابل فهم و درک، رمزآلود، گیج کننده، مبهم و غیره تعبیر شود. چند مسیره تک مسیره	متون مذهبی یا غیر مذهبی با اشاره به لابی‌رنت	طی کردن سمبلیک لابی‌رنت به عنوان زیارت		نسخه دستی، لابی‌رنت کلیسایی، لابی‌رنت سنگی، لابی‌رنت کلوخی
			چند مسیره	تک مسیره		
تفریح، باغسازی			به کارگیری لابی‌رنت به عنوان یک عین: ماز	بازی‌های تفریحی		لابی‌رنت باغی، لابی‌رنت گلی، مازها
			چند مسیره			
روند معنوی یا روانی، حل مشکلات و...			به کارگیری لابی‌رنت به عنوان یک عین	طی مسیر با هدف درمان روان		تمام حوزه‌ها
			تک مسیره			
یک استعاره	بی نهایت، چندلایه گی، بدون سلسله مراتب، بدون ابتدا و انتها و غیره		هایپرفیکشن و غیره	-		استعاره صرف
			چند مسیره			

جدول ۲: نسبت نقاط ابتدا و انتها در دوره‌های مختلف

		الف: نقطه شروع	ب: نقطه پایان حرکت
		جهان دنیوی	دنیای مردگان
		- خارج از خانه یا شهر - خارج از یک گروه	- درون خانه یا شهر - درون گروه
Context as a maze: world, sin Through path as labyrinth: religion, Christ		- دانش انسان در مورد خدا - جهان پر گناه دنیوی	- درک جهان - عالم ملکوت
		نقطه‌ای بر سطح زمین	نقطه‌ای دیگر بر سطح زمین
		نقطه‌ای بر سطح زمین	نقطه‌ای دیگر بر سطح زمین
		تمام نقاط هم ارزش هستند	

پی‌نوشت

- 1) Paul Ward English
- 2) English, Paul Ward.(1966) "City and Village in Iran: Settlement and Economy in the Kirman Basin"
- 3) De Bode, Baron C.A.(1845) "Travels in Luristan and Arabistan", Vol. I :41

۴) تمام کتب اشاره شده در منابع که در مورد لابی‌رنت هستند نمونه‌هایی از این مطالعات‌اند.

۵) به عنوان نمونه مراجعه کنید به: (Bonine, 1979 & Akbar, 1988 & Kostof, 1991 & Chant, 1999 & Ford, 2000 & Bianquis, 2006)

- 6) Cretan Labyrinth
- 7) Theseus Labyrinth Dance
- 8) Crane Dance
- 9) Cretan-Labyrinth
- 10) Minotaur
- 11) Minos
- 12) Daedalus
- 13) Gortyna
- 14) Patrick Conty
- 15) Pennick
- 16) Troy Game
- 17) Virgil
- 18) Havana
- 19) Pliny the Elder
- 20) Natural History, Book 36: 13
- 21) Maze
- 22) No Entry'
- 23) Initiation Ritual
- 24) Otfried Labyrinth
- 25) Chartres Labyrinth
- 26) Otfried von Wissembourg
- 27) Turf Mazes

۲۸) همان‌طور که دیده شد، تا این زمان الگوی چند - مسیره فقط در تعابیر و استعاره‌ها حضور داشت و الگوهای لابی‌رنت‌های ترسیمی همه در اشکال مختلف از قانون تک مسیری پیروی می‌کردند.

- 29) Flower-bed
- 30) Herbal

- 31) Puzzle Maze
 32) Series of Carceri d'Invenzione
 33) Eisenstein

(۳۴) به زعم نگارنده تعبیر "هزارتو" واجد بالقوه گی‌ها و مبتنی بر پیشینه‌های فلسفی - ادبی فراوانی است که قادر است پیچیدگی‌های شهر ایرانی-اسلامی را به گونه‌ای کارآمدتر شرح و بسط دهد، و پرداختن به آن خود مجال دیگری می‌طلبد.

منابع

- Agrest, Diana. (1992) **"The Imagined and Real Landscapes of Piranesi"**, New York, CBA.
- Akbar, Jamal. (1988) **"Crisis in the Built Environment, the Case of the Muslim City"**, Singapore, Concept Media.
- Bianquis, Thierry. (2006) Urbanism. In: Josef W. Meri, ed., **"Medieval Islamic Civilization, an Encyclopedia"**, Vol. 2.
- Bonine, Michael E. (1979) The Morphogenesis of Iranian Cities, **"Annals of the Association of American Geographers 69"**, (No. 2, June 1979).
- Bord, Janet (1976) **"Mazes and Labyrinths"**, London: Latimer New Dimensions.
- Chant, Colin & Goodman, David. (1999) **"Pre-Industrial Cities and Technology"**, London: Routledge in Association with the Open University.
- Deleuze, Gilles. (1993) The Fold-Leibniz and the Baroque: The Pleats of Matter, **"Architectural Design 102"** (Folding in Architecture): 30-38.
- Doob, Penelope Reed. (1990) **"The Idea of the Labyrinth from Classical Antiquity through the Middle Ages"**, London, Cornell University Press.
- Dumper, Michael R.T. (2006) Reevaluating the Past, Rethinking the Future. In: Dumper, Michael R.T. and Stanley, Bruce E., eds., **"Cities of the Middle East and North Africa"**, Santa Barbara, California, ABC-CLIO. xvii-xxi.
- Eco, Umberto. (1983) **"The Name of the Rose"**, 1st ed. San Diego: Harcourt Brace Jovanovich, Translated from the Italian by William Weaver.
- Eisenstein, Sergi M. (1990) Piranesi, or the Fluidity of Forms. In: Tafuri, Manfredo, ed., **"The Sphere and the Labyrinth: Avant-Gardes and Architecture from Piranesi to the 1970s"**, Cambridge, Massachusetts London, MIT Press.
- English, Paul Ward. (1973) The Traditional City of Herat, Afghanistan. In: L. Carl Brown, ed., **"From Madina to Metropolis"**, Princeton: Darwin Press.
- Ford, Larry R. (2000) **"The Spaces between Buildings"**, Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
- Kern, Hermann. (2000) **"Through the Labyrinth, Designs and Meanings over 5,000 years"**, Munich; New York, Prestel.
- Kheirabadi, Masoud. (1991) **"Iranian Cities: Formation and Development"**, Austin, Tex : Univ. of Texas Press.
- Kostof, Spiro. (1991) **"The City Shaped, Urban Patterns and Meanings Through History"**, Boston, Little, Brown.
- Longren, Sig. (1996) **"Labyrinths. Ancient Myths and Modern Uses"**, Glastonbury: Gothic Image Publications.
- McCaffery, Steve. (2003) To Lose one's Way (for Snails and Nomads): the Rdaical Labyrinths of Constant and Arakawa and Gins, **"Interfaces 21/22"**: 113-144.
- Matthews, William Henry. (1969) **"Mazes and Labyrinths, a General Account of their History and Developments"**, Detroit, Singing Tree Press.
- Pennick, Nigel. (1990) **"Mazes and Labyrinths"**, London, Robert Hale.
- Radford, Benjamin. (2004) Labyrinths: Mazes and Myths, **"Skeptical Inquirer Magazine"** 28 (5): 42-48.
- Raymond, André. (2005) Urban Life and Middle Eastern Cities, the Traditional Arab City. In: Youssef M. Choueiri, ed., **"A Companion to the History of the Middle East, Malden"**, MA: Blackwell Pub. Ltd: 207-226.
- Sward, Jeff. & Kimberly. (2005) The Tomba del Labirinto Luzzanas, Sardinia, **"Caerdroia 35"**: 5-11.
- Stoppani, Teresa. (2006) Voyaging in Piranesi's Space: A Contemporary Re-Reading of the Beginning of Modernity, **"Extenza 1"** (Spring 2006): 32-54.
- Tafuri, Manfred. & D'Acerno, Pellegrino. (1990) **"The Sphere and the Labyrinth: Avant-Gardes and Architecture from Piranesi to the 1970s"**, London, MIT; Cambridge, Massachusetts.
- Tchumi, Bernard. (1996) **"Architecture and Disjunction"**, Cambridge, MA, the MIT Press.